

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم ، دین ، و دولت در چنگال استبداد

نظام استبدادی خمینی مانند همه نظامهای استبدادی تمامیت خواه در جهان امروز ، هر آنچه که به زیر سلطه خود درآورده به فساد و تخریب و عقب ماندگی کشانده است ، و این خاصیت ، جزو ذات و ماهیت استبداد است که تحت سلطه هایش را به روزگار سیاه فساد و تباهی بکشاند ، زیرا استبداد ، عقل و اراده را از انسان ، محتوی و هدف رسالت را از دین ، وظیفه و هویت را از نهادها سلب میکند و همه را به استخدام اهداف سلطه گرانه و انحصار طلبانه خود در میآورد .

ایران امروز که متشکل از سه عنصر اساسی یعنی مردم ، اسلام ، و دولت است در سایه نظام استبدادی خمینی در مضیقه خطرناکی قرار گرفته و سیر انحطاط اضمحلال و سقوط را می پیماید .

مردم ایران که بعد از قرون و اعصار و بعد از سه قیام و اقدام جدی در صد سال اخیر میبایست از مردمان پیشتاز در جهان باشد هم اکنون اسیر یک نظام ارتجاعی و عقب مانده و مطلقه میباشد و با وجود داشتن موقعیت ممتاز در ابعاد مختلف جمعیتی ، اقتصادی ، منابع زیر زمینی ، آب و هوای متنوع و در وضعی قرار گرفته که مشاغل ایران و ایرانی زبانزد مردمان جهان شده است .

مردم ایران به دلیل فشار سنگین استبداد در معرض خطرات جدی و در راستای پراکندگی و آوارگی قرار دارد و مسائل ایران و ایرانی روز افزون شده است : وضعیت روابط خانوادگی و روابط همسران و گسترش طلاق ، وضعیت اخلاق اجتماعی که در راستای انحطاط و در معرض امراض خطرناک قرار دارد و روابط عرفی مختل شده است ، انهدام پیوندهای اجتماعی و تعقیب منافع شخصی بدون توجه به منافع و سرنوشت اجتماع و تن دادن به کارهای ناشایست برای رسیدن به ثروت و سرمایه ، اوضاع روابط اقتصادی فساد آور که کسب سود جای کار و تلاش سالم را گرفته و اعتماد در مجتمع ایرانی رو به زوال رفته است ، گسترش اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی ، انحراف روابط جنسی در مقیاس وسیع ، خود باختگی و توجه به بیگانگان و فرار از چنگ استبداد حاکم داخلی و پناه بردن به دامن استبداد جهانی استعمار و امپریالیسم و حامیان اصلی استبداد داخلی ، و ضعف اراده جهت برکناری استبداد مطلقه و جهت برقراری آزادی و مردمسالاری و کثرت گرایی و

مردم ایران در رابطه با آنچه که بسرشان آورده اند مسئول هستند ، و خواه نا خواه ، این مردم ایران بوده که بیست و دو سال ، نظام استبدادی و ارتجاعی خمینی را تحمل نموده اند و

مسئولیت آن ، قبل از هر کسی ، به عهدهٔ مردم ایران است ، و این مردم ایران بوده که خرافی‌ترین و مضرترین و تبعیض‌آمیزترین عقاید و اعمال را ، به نام دین اسلام ، تحمل کرده اند ، در حالیکه این امکان وجود داشت که برداشت و فهم دیگر و عمل و اجرائات دیگری را پذیرا شوند و یا اصلاً فکر و نظر دیگری را برای حکومت سیاسی خود قبول نمایند ، و در هر حال مسئول اصلی استمرار استبداد در طی قرون و در حال حاضر ، مردم ایران هستند . اگر مردم ایران عزیز و هوشیار و شجاع زندگی میکردند نه پهلوی‌ها نیم قرن ایران و ایرانی را در اختیار اجانب غارتگر قرار میدادند و نه خمینی‌گراها میتوانستند دو دهه به جان و مال و سرنوشت ایران و ایرانی بازی کنند و مدعی ولایت مطلقه شوند و ولی مطلقه آشکارا قلدری کنند و همه چیز را در نطفه خفه نماید و رئیس مجلس هم بگوید ولایت مطلقه همین است ، و نه استعمار و امپریالیسم میتوانستند با همکاری مستبدین خائن و جانی ، ایران را غارت کنند و ثروت ایرانیان را به یغما ببرند ، و بالاخره ، تا مردم ایران کاری نکنند و نظام استبدادی را طرد و برکنار نکنند آزادی و مردم‌سالاری و کثرت‌گرایی در ایران مستقر نخواهد شد .

در رابطه با عنصر دوم ایران امروز که دین اسلام است وضعیت بدتر هم هست . دین اسلام که عقیده و فرهنگ و عرف مردم ایران است و مکتبی توحیدی و آزادیبخش و عدالت‌آفرین است در زیرسلطهٔ برده‌آفرین نظام استبدادی خمینی به مجموعه‌ای از خرافه و انحراف و خشونت و قساوت و تعصب مبدل شده و وسیلهٔ سرکوب و جنایت ولایت مطلقهٔ نظام استبدادی شده است . در سایهٔ نظام استبدادی خمینی ، کل دین اسلام و همهٔ مضامین و اصطلاحات آن ، از قدیم و جدید ، تنها یک تفسیر و قرائت دارند و آن هم از آن ولایت مطلقهٔ فقیه است ، و کل اسلام یک وظیفه دارد و آن هم تثبیت ولایت مطلقهٔ فقیه و توجیه جنایات نظام استبدادی خمینی است ، و اگر ولی مطلقه گفت لعنت باد!! دیگران موظفند بگویند بیش باد کم مباد !!

چه کسی توان لب‌گشودن را دارد؟ کدام مسلمان آزاده و مستقل و مردم‌خواهی توانسته از شر نظام استبدادی مصون باشد ، ولو بخاطر سخنی که بر زبان شخصی رانده است ، چقدر کُتب اسلامی و کتب دانشمندان مسلمان و حتی کتبی که منابع مسلم اسلامی در قدیم و جدید محسوب میشوند وجود دارند که امکان نه تدریس و نه ترجمه بلکه حتی حضور در کتاب‌فروشیها هم را ندارند !! ، اصلاً شعار استبدادی مرگ بر ضد ولایت فقیه ، قبل از هر چیز و قبل از هر کسی علیه مراجع شیعه است ، علیه خود مسلمانان است ، و علیه جریان‌های اسلامی است .

مگر غیر از اینست که کتب خمینی که تشریح شرک و خرافات و شامل ناسزاگویی به عالیترین مقامات تاریخی مسلمین است قبل از همه و هر کسی علیه اسلام و مسلمین نوشته شده اند ، و اصلاً کتاب کشف‌الاسرار که مملو از فحش و توهین و ناسزا است پاسخی به یک عالم مسلمان

قَم است . همچنین با نگاهی به قانون اساسی ولایت مطلقه مشخص میشود که این قانون که نزد استبدادیان ارزش و بهایی ندارد ، قبل از هر کس و هر چیزی در تضاد با وجود اسلام و حضور مسلمین و جریانات اسلامی و متناسب با اجرای هوی و هوس صاحبان نظام استبدادی است ، و بالاخره این مردم مسلمان ایران و جریانات مسلمان و علماء و شخصیت‌های مسلمان در ایران و جهان هستند که مخالفین اصلی و اساسی و واقعی نظام استبدادی خمینی هستند .

و اما عنصر سوم ایران ، که دولت‌آنست ، هم اکنون رسماً و علناً در تصرف جمعی قدرت پرست عقب مانده ، بی لیاقت و ناتوان ، مستبد و جنایتکار ، و خائن به مردم و دین قرار دارد ، جمعی که به هیچ چیزی عقیده ندارد و به سرنوشت هیچ چیزی نمی اندیشد ، الا اینکه بوسیله پول نفت و دیون غربی و سلاح‌های مخربی که در اختیارش گذاشته میشود به سرکوبگری بپردازد ، خون جوانان ایرانی را بریزد ، مردم را زندانی کند و آواره سازد و تخریب گرداند و توده های بیچاره را در فقر فراگیر نگه دارد ، و بدین شیوه به حکومت سیاه و خطر زای خود ادامه دهد . و اکنون که نگران انفجار خشم توده ها شده است به کمک استعمار و امپریالیسم دَهْل و سُرْنای اصلاحات را برداشته و امپریالیسم خبری هم با آن به رقص درآمده است .

دولتی که باید حافظ جان مردم ، اموال مردم ، ناموس مردم ، فرهنگ مردم ، رشد و تکامل مردم ، فعالیت و شکوفائی مردم ، و آگاه سازی مردم باشد به خطر اصلی و تهدید واقعی و سرکوب کننده مردم در همه ابعاد زندگی مبدل شده است . آخر مگر مردم به غیر از دولت ، مشکل دیگری هم داشته و دارند؟ همان دولتی که میباید همکار مردم و تنظیم کننده امور مردم و حلال مشکلات مردم باشد حالا شده مشکل و مانع اصلی و تبدیل شده به یک دستگاه جاسوسی که در تعقیب مردم است تا بداند چه کسی چه نظر و عقیده ای دارد و او را به مجازات!! برساند .

مگر این مردم هستند که همدیگر را میکشند ، همدیگر را زندانی میکنند ، همدیگر را آواره و در به در میسازند ، و به سرکوبگری یکدیگر میپردازند؟ آیا برای مردم ایران و برای کشورهای استبداد زده مصیبتی بزرگتر از دولت وجود دارد؟ همان دولتی که همه مشاغل عظیم کشوری از اوست و مصیبت عظمی شده است ، همان دولتی که مسبب فقر و غارت شدگی کشور گشته ، عامل عقب ماندگی مردم کشور شده ، باعث ناآگاهی و بیخبری مردم نسبت به همه چیز از جمله نسبت به دینشان شده است ، و همان دولتی که وسیله استعمارگران و امپریالیستها برای مهار اجتماع و غارت ثروت و سرمایه های کشور میباشد .

آری در سایه نظام استبدادی همه چیز و همه کس ماهیت و محتوای خود را از دست داده و امکان ظهور واقعی و متنوع و آزاد برای هیچ چیزی و برای هیچ کسی وجود ندارد ، و مردم و دین و دولت هم در زیر سلطه نظام استبدادی سلامت و لیاقت و کار برد خود را از دست داده و به

فساد و تباهی کشیده شده اند، و راه و چاره بازگشت به طبیعت و محتوی و لیاقت هر چیز و هر کسی، آزادسازی آن و حذف و کنار زدن استبداد از سر آنست.

حالا چرا کار بدین جا کشیده شده و چگونه جمعی عقب مانده و مستبد و خائن توانسته اند بسر مردم و دین و دولت چنین بیاورند؟ آنچنانکه آورده اند و دارند میآورند. در تحلیلی که تحت عنوان «ریشه ها و عوامل استبداد سیاسی داخلی» از طرف سازمان موحدین آزادیخواه ایران ارائه گردید به تفصیل به چرایی حاکمیت طولانی نظام استبدادی در کشورهای مثل ایران پرداخته شده است و نیازی به تکرار آن در اینجا نمیباشد، آنچه لازم است در اینجا بدان پرداخته شود اینست که مردم، اصل و اساس بود و نبود هستند، اگر مردمی با کفایت و دارای کیفیت وجود داشته باشد همه چیز بخوبی خواهد بود، و اگر چنین مردمی وجود نداشته باشد دیگر همه چیز بی فایده و بی معنا میشود، همه چیز بازیچه میگردد و هیچ چیزی محتوای خود را نخواهد داشت، و کسانی که از وضع موجود رنج میبرند باید به فکر مردم و رشد مردم و تعزیز مردم باشند و گرنه تا ابدالدهر وضع استبدادی و تحت سلطگی و فقر زدگی و رذالت پیشگی ادامه خواهد داشت و از هیچ کسی و از هیچ فکر و نظری هیچ کاری بر نخواهد آمد.

نظام استبدادی خمینی که بنام مردم ایران و جوامع مختلف آن و بنام اسلام و فرق و گرایشات آن و تحت عنوان دولت و حکومت و قانون به درندگی و جنایتکاری و سرکوبگری و خیانتکاری میپردازد چه کسی میباید و میتواند آن را تحمل نکند؟ آیا غیر از اینست که این تنها مردم ایران است که باید به پا خیزد و بگوید که: ای استبداد مخرب و جنایت پیشه، غلط میکنی که بنام ما و بنام دین ما و بنام دولت ما و بعنوان حاکم ما اینهمه جنایت و خرابکاری و اینهمه سرکوبگری و خفه سازی و اینهمه حبس و آواره سازی را مرتکب میشوی، و بدین شیوه آن را بر کنار کنند.

نظام استبدادی خمینی همه چیز ایران و ایرانی را تحت سلطه خود گرفته و به تصرف خود در آورده است و آنچه نزد ایرانیان معتبر و محترم و جای قدر و قیمت است به خود نسبت میدهد و خود را نیز بدان منتسب میکند و آن را به استخدام خود در میآورد، بدون آنکه بدان اعتقاد و برای آن ارزش و احترامی قائل باشد، مثل مردم داری، اسلام خواهی، عدم رابطه با سلطه گران غربی و.... اما چیزی که واقعاً جای توجه و دقت است اینست که استعمار و امپریالیسم و جریانات استعماری و امپریالیستی، ادعاهای نظام استبدادی خمینی را تصدیق میکنند و برایش مهر تأیید میزنند، و بویژه میخواهند حتی اثبات کنند که نظام استبدادی و شرک آمیز خمینی یک نظام اسلامی است و بر اساس آیات قرآن بنا شده و کاری جز اجرای اسلام!! را انجام نمیدهد.

اما باید روشن شود که چرا استعمار و امپریالیسم و جریانات استعماری و امپریالیستی ادعاهای نظام استبدادی خمینی را تأیید میکنند و بویژه میخواهند اثبات کنند که این یک نظام اسلامی

است؟! و این در حالی است که هم در ایران و هم در سراسر جهان اسلام، کمتر جریان و گروه و شخصیت اسلامی وجود دارد، حتی در میان آنهایی که نظام استبدادی روی آنها بسیار سرمایه گذاری کرده است، که این نظام را اصلاً ضد اسلام و مسلمین نداند. استعمار و امپریالیسم و راهروانشان از این کار دو هدف اساسی را تعقیب میکنند: یکی اینکه میخواهند به نظام استبدادی خمینی مشروعیت ببخشند، و بدین وسیله به بقای استبداد و استمرار نظام استبدادی کمک میکنند و مردم ایران را در وضع موجود نگه میدارند. و دیگر اینکه میخواهند اینگونه تفهیم کنند که مشکل اساسی در ایران، اسلام و اسلامیت است، و نظام خمینی تنها کاری که کرده اینست که اسلام و احکام اسلامی را اجراء!! کرده است، و حتی از آنها چیزی بدین صراحت صادر شد که خمینی انسان با تقوی و عدالت خواهی بود ولی با اجرای اسلام و احکام اسلامی او نیز جنایتکار گردید!!، و بدین شیوه میخواهند که بعد از نابودی نظام استبدادی خمینی، اسلام و اسلامیت و مسلمین، امکان ظهور و حضور پیدا نکنند و راه استمرار نظام استبدادی تحت اسم و رسمی دیگر باز بوده و دخالت مستمر استعمار و امپریالیسم بدون مانع باشد.

و حالا مردم ایران، از نظر استعمار و امپریالیسم و پیروانشان، دو راه بیشتر ندارند: یا باید نظام جنایت پیشه و خیانتکار و عقب مانده خمینی را تحمل کنند و یا باید اسلام و اسلامیت را که منشاء مشکلات موجود است!! و نظام خمینی مظهر عملی شده آنست!! طرد و رها کنند!! اما سوآلی که در اینجا مطرح میشود اینست که چرا استعمار و امپریالیسم و جریانات همراهشان آنگونه که به اسلام و مسلمین حمله میکنند به مردم و دولت حمله نمیکنند؟ در حالی که اگر مسئله قصور و کوتاهی باشد، مردم بیش از فکر و راهی که به خودی خود نمیتواند از خود دفاع کند مقصر و لایق سرزنش هستند، و اصلاً این مردم هستند که در خوب و بد همه کاره اند. یا اگر جنایت و خیانت و سرکوبگری باشد این دولت و نظام دولتی است که بنابر قانونی که وضع کرده و خودسریهایی که انجام داده، مرتکب چنین کارهایی شده است، و بسیاری از جنایتها و خیانتها و سرکوبگریها را هم، به دلیل عدم امکان توجیه، مخفیانه انجام داده و بعداً فاش شده اند. و اصلاً اولین قربانی در سایه نظام استبدادی خمینی اسلام و مسلمین و جریانات و شخصیتهای اسلامی هستند، و اگر بگویند که چون دولت دینی!! شده، بد و بدکار و خائن شده است، میگوییم دولت پهلوی که دینی نبود، دولتهای کمونیستی که دینی نبودند، دولتهای سلطه گر و غارتگر غربی دینی که نیستند، تمام دولتهای استبدادی در کشورهای اسلامی در عمل که هیچ حتی قانوناً هم ضد اسلامی هستند و در اکثر کشورهای اسلامی!! مسلمانان و جریانات اسلامی از هر گونه فعالیت، حتی از فعالیتهای مطبوعاتی و فرهنگی و هنری، ممنوع!! هستند. پس چگونه

است که فقط به اسلام و مسلمین حمله میشود و چرا مردم و نفس دولت کمتر مقصر شناسانده میشوند؟! آنها در مکانی که نه استقلالی، نه تکامل اجتماعی، نه رشد سیاسی، نه شکوفایی اقتصادی، و نه هیچی وجود دارد، و در چنین محیطی، بالبداهه هر چیزی دارای کیفیت پایین و همراه با برداشت اجتماعی نازل خواهد بود.

جواب این سؤال اینست که اولاً استعمار و امپریالیسم خوب میدانند و تجربیات زیادی هم در این رابطه دارند که اگر از مردم و جامعه ای، عقیده و فرهنگ و عرف و مبانی اخلاقی گرفته شود، دیگر چیزی از آن مردم و جامعه باقی نخواهد ماند و سرگردان و آواره خواهد شد، و در آن صورت به خدمت در آوردن و به بردگی گرفتن آن بسیار ساده و آسان میشود، و چون دین اسلام در ایران و در کشورهای اسلامی چنین نقشی را بازی میکند، استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی در پی نابودی و تضعیف آن و تخریب و انحطاط آن هستند، و بجای حمله و هجوم به خود مردم به عقیده و فرهنگ آنها و به اسلام و مسلمین حمله و تعرض میشود.

ثانیاً استعمار و امپریالیسم و همکارانشان نمیتوانند بگویند که نباید مردم باشند یا اینکه این مردم هستند که عامل مشکلات موجود هستند، بلکه آنها میخواهند به مردم خط و راه نشان دهند و مردم را به راه بردگی مستقیم هدایت کنند.

و در رابطه با دولت نیز، آنها حاضر نیستند که ذات و ماهیت دولت و حکومتی که ساخته دست آنها و حافظ منافع آنها در کشورهای تحت سلطه و غارت شده و در حال غارت است زیر سؤال ببرند، و آنها به هیچ وجه روی خود دولت تبلیغ نمیکنند، و نیاز آنها به دولتهای موجود بیش از آنست که ماهیت آن را به صحنه بیاورند، و نیاز آنها به دولت یک نیاز اساسی است، و تمام سرزمینها و جوامع استبداد زده را بوسیله همین دولتها مهار و غارت میکنند. و گرنه آنها بخوبی میدانند که دولتها در اشکال مختلف دینی، کمونیستی، سرمایه داری، شبه غربی و ... امتحان خود را داده و رهبران و مسئولان نشان ماهیت خود و عملکرد خود را به همگان نشان داده اند. و البته در رابطه با اسلام هم همین حيله گریها را انجام داده و بجای تبلیغ روی نابودی اسلام روی منزوی کردن آن کار و تبلیغ میکنند، ولی روی اسلامیت (اسلام خواهی) تبلیغ و دشمنی مستمری دارند.

نکته جای دقت و توجه اینست که استعمار و امپریالیسم و جریانات وابسته میخواهند فراموش کنند که تمام نظامهای استبدادی در کشورهای اسلامی، و اصلاً در یک صد ساله اخیر، جز چند مورد، با تکیه بر لائیسیتة غربی به جنایتکاری و خیانتکاری و سرکوبگری پرداخته اند، بگذریم از جنایات و غارتگریهای مستقیم استعمار و امپریالیسم در سرزمینهای مسلمین، و خصوصاً در رابطه با چگونگی تقسیم و درهم تنیدن و ازهم بریدن این سرزمینهای اشغال شده که مشکلات

این خیانت و جنایت بزرگ هنوز هم از مهمترین مشاکل این جوامع تحت سلطه و غارت شده و در حال غارت است. توضیحات آن در: ریشه ها و عوامل استبداد سیاسی داخلی آمده است. مردم منصف و حق جو بخوبی میدانند که نظام استبدادی و ارتجاعی و شرک آمیز خمینی، همانطور که میخواهد مردم ایران را خرد و نابود سازد، به همان شیوه هم میخواهد که اسلام و اسلامیت را مسخ و نابود نماید، همانگونه که حتی قانون خودش را و نهادهای رسمی خودش را هم بی اعتبار و بی ارزش ساخته است، چیزی که خواست و آرزوی استعمار و امپریالیسم است، چون تا مردم و فرهنگ آنها و نهادهای یک اجتماع، فاسدتر و مسختر شوند، از دامهای سلطه گران نزدیکتر شده و شکار آنها آسانتر میگردد.

نباید به نظام استبدادی خمینی که ۲۲ سال عمر جنایت و خیانت و سرکوبگری و آواره سازی و زندانی سازی دارد اعتماد کرد، به ویژه اینکه هم عاملان اصلی تخریبات ۲۲ ساله هنوز در رأس دولت و حکومت هستند و هم استعمار و امپریالیسم در راه بازسازی نظام استبدادی شتابانند و بصورت همه جانبه با آن همراهی میکنند. (توضیحات بیشتر در: امپریالیسم در راه مهار سازی).

استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی برای اینکه چیزی را خوش نام و رائج و یا بد نام و تخریب کنند آن را متناسب با اوضاع و احوال و جو موجود، به خود یا به مخالفان خود نسبت میدهند تا بلکه مردم را جذب آن کرده یا از آن متنفر سازند، و آنها میدانند که توده ها و جوامع بشری در سرتاسر جهان چقدر از آنها متنفر و بیزار هستند.

الله اکبر الله اکبر سلام بر موحدین
مرگ بر استبداد بر قرار باد آزادی
بر کنار باد نظام استبدادی خمینی
بر قرار باد جمهوری متحده مردمی
شعله ور باد قیام پایانبخش توده ها
پیش بسوی آزادی و مردمسالاری
و کثرت گرایی

موسی عمران (علی تشارکی)
رهبر سازمان موحدین آزادیخواه ایران
۱۳۷۹/۶/۸ - ۱۴۲۱/۵/۲۸